

بررسی آفرینش جهان هستی در کلام الله

دروغی بزرگتر از جهان هستی

آله دال فک

با سپاس فراوان و درودی دگر باره به انجمن شما و اندیشه آزاد که دریچه ای بسوی روشنایی گشوده اید و درود پاکدلانه ام به یکایک شنوندگان ارجمند. امید وارم بیاری هم و همچنین دیگر هم اندیشان بتوانیم آن گروه از ره گم کردگان اندیشه ای را که ۱۴۰۰ سال است بدست مشتی دغلباز دین فروش در بیابانهای کربلای تازیان سرگردان نگاهداشته شده اند رهایی بخشیم.

تا آگاهانه ایران پرستی و مهر بر میهن و تاریخ و فرهنگ نیاکان را برتر و بالاتر از بندگی، غلامی و کنیزی نا آگاهانه و دربند روان تازیان بسر بردن بدانند، دانسته این لکه ننگ سراپا سر شکستگی را از دامن خود و تاریخ و فرهنگ کهن ایران بزدایند، به آزادی و والائی خود و فرزندان آینده ساز خویش ببندیشند، با چشمانی باز به پیروی از خرد و اندیشه گام در راه راستی و درستی نهند و بدانند که تنها راه رسیدن به سرچشمه نیک بختی هما نا راستی و درستی است.

با بررسی ژرف در کلام الله هاورد اسلام ناب محمدی به روشنی و آگاهانه میگویم که راههای نشان داده شده در آن نه تنها راستی و درستی و شادزیوی نیست که دروغ و ریا و بزرگترین راهنمای پستی پذیری، زبونی، خواری، کژ اندیشی و سیه روزی است.

این بار نیز دو نمونه از چگونگی آفرینش جهان هستی و آدم آمده در کلام الله را برگزیده ام که در پی هم خواهند آمد. نخست با هم نگاهی از دید خرد بر آنها می افکنیم، سپس دادگرانه و بدور از کوردلی تازی پرستی به داوری می نشینیم.

برای پیشگیری از هرگونه خرده گیری که به روشنی دریابید اندیشه ای جز روشنگری سره از ناسره ندارم. سوره ها و آیه های کلام الله را به همانگونه ای که آمده است از نخستین سوره مورد پژوهش تا آخرین سوره کلام الله، پشت سر هم آورده و تنها درون مایه ترجمه به فارسی را نوشته ام. از نوشتار درون گیومه ها که دیدگاه مترجم میباشد خود داری کرده ام، تا کوچکترین راهی برای بدگمانی و دودلی بر جای نماند.

حال این شما و این هم پیشینه آفرینش جهان هستی و آدم در دو بخش جداگانه که برابر روش همیشگی پاسداران فرهنگ ایران سخنانم را با این فراز آغاز میکنم.

آگاهی سر آغاز آزادی، پی ورزی یا (تعصب) فرو رفتن در نادانی، سیه روزی و گمراهی است

۱- او خدائی است که همه موجودات زمین را برای شما خلق کرد. پس از آن به خلقت آسمان نظر گماشت و هفت آسمان را بر فراز یکدیگر برافراشت: سوره دوم (البقره) آیه ۲۹

درست توجه کنید در این دومین سوره و اولین سخن درباره آفرینش جهان هستی کوچکترین سخنی از چگونگی آفریدن زمین به میان نیامده. یکباره میگوید که اول همه موجودات زمین را آفریدم. پس از آن به خلقت آسمان همت گماشتم.

۲- پروردگار شما آن الهی است که آسمانها و زمین را در شش روز خلق کرد. آنگاه به خلقت عرش پرداخت ... : سوره هفتم اعراف آیه ۵۴

در این آیه علاوه بر آسمان و زمین عرش را هم در شش روز آفرید بی آنکه روشن کند عرش چیست و به آفریدن موجودات زمینی هم کوچکترین اشاره ای نکرد؟

۳- خالق شما به حقیقت الله است خلقت جهان را از آسمان و زمین در شش روز خلق فرمود و آنگاه ذات مقدسش بر عرش توجه کامل فرمود: سوره دهم (یونس) آیه ۳. سوره یازدهم (هود) آیه ۷ سوره پنجاهم (ق) آیه ۳۸. سوره پنجاه و هفتم (الحديد) آیه ۴.

می پرسم. تو که برابر آیه ۶۸ - از سوره چهل (مومن) ادعا میکنی هر چه را خواهی بی درنگ می آفرینی، چرا شش روز رنج بیهوده بردی؟ آیا دروغ نمیگویی؟

۴- آیا کافران ندیدند که آسمانها و زمین بسته بود، ما آنها را بشکافتیم؟ سوره بیست و یکم (انبیا) آیه ۳۰

به وارون آیه های یاد شده که گفته بود زمین و آسمان را در شش روز آفریدم، در این آیه میگوید آسمانها و زمین بسته بود ما آنها را بشکافتیم. معنی اش اینست که آسمان و زمینی وجود داشته ولی بسته بوده است که الله شش روز کوشیده و آنها را شکافته است.

در اینجا پرسشی پیش می آید. نخست اینکه خود الله چه شکلی بوده و در کجا میزیسته است. در درون بسته و یا بیرون از بسته؟ دوم چیزی که وجود داشته است چرا مدعی شده که من آفریده ام؟

۵- آن الهی که آسمانها و زمین و هر چه بین آنهاست همه را در شش روز بیا فرید آنگاه عرش رحمانی را با چراغ روشن خورشید و ماه تابان روشن ساخت: سوره بیست و پنجم (فرقان) آیه ۵۹

در این آیه نه تنها از بسته بودن زمین و آسمانها و گشودنش یاد نمیکنند که میگویند آسمانها و زمین و هر چه در بین آنهاست هم هست همان شش روز آفریده ام. درحالی که نه تنها در آیه ۲۹ از سوره دوم (بقره) که برابر آیه های ۱۵ و ۱۶ سوره هفتاد و یکم (نوح) نیز زمانی برای انجام کارهایش تعیین نکرده کدام سخن الله درست است؟

۶- ای رسول مشرکان را بگو که شما به الله که زمین را در دو روز بیافرید کافر میشوید آیه (۹) قوت و ارزاق اهل زمین را در چهار روز مقرر فرمود و روزی طلبان را یکسان در کسب روزی خود گردانید آیه (۱۰) و آنگاه به خلقت آسمان توجه کامل فرمود که آسمانها دودی بود او فرمود که آسمان و زمین همه به سوی خدا به شوق و رغبت و یا به جبر و کراهت بشتابند آیه (۱۱) آنگاه نظم هفت آسمان را در دو روز استوار فرمود: سوره چهل و یکم (سجده فصلت) آیه های ۹ تا ۱۱

دریافتید در این آیه ها به و ارون شش روز و به و ارون بسته بودن زمین و آسمانها میگوید زمین و آسمانها را در دو روز بیافریدیم و خوراک چهار روز آفریدگان اهل زمین را هم آماده و دادگرانه میان آنها بخش کردم و سپس به خلقت آسمانها که دود بودند توجه کامل فرمودم.

این چند گانه گوئیهای الله دانا و توانا و آگاه را تا همینجا درباره آفرینش جهان هستی در کنار هم بگذارید تا دریابید کدامش درست است (شش روز، دوز، دود بودن یا بسته بودن و شکافتن؟)

مهمتر از همه زمان دو روز یا شش روز را بر چه پایه ای اندازه گیری کرده است؟ بی هیچگونه دودلی این چند گانه گوئیهای الله دروغی آشکار است.

در پایان آیه دهم همین سوره (سجده فصلت) چنین آمده است (او فرمود که آسمان و زمین همه بسوی الله به شوق و رغبت و یا به جبر و کراهت بشتابند؟)

با این گفتار روشن الله به نیکی در می یابیم که در همان نخستین زمان آفرینش او با آزادی آشنائی و میانه ای نداشت که آسمانها و زمین را چه خواسته و چه نا خواسته ناگزیر بر پرستش از خود نموده است.

آیا میتوان از چنین دیکتاتوری که نخستین گامش آزادی کشی بوده است چشمداشت مهر و داد و آزادیخواهی داشت؟

در آیه ۱۱ همین سوره میگوید: آنگاه نظم هفت آسمان را در دو روز استوار فرمود که باز هم با شش روز های از پیش گفته شده او دوگانگی دارد و دروغی آشکار است.

وانگهی موضوع آیه دهم این سوره با آیه های ۳۰ تا ۳۹ آمده در سوره دوم (بقره) درباره آفریدن آدم سراپا دوگانگی دارد که در بخش آفریدن آدم آورده خواهد شد.

۷- آیا ندیدید که الله چگونه هفت آسمان را به طبقاتی خلق کرد و در آن سماوات ماه شب را فروغی تابان و خورشید را چراغی فروزان ساخت: سوره هفتاد و یکم (نوح) آیه های ۱۵ و ۱۶

همانگونه که در سوره دوم (بقره) آیه ۲۹ برای آفرینش زمین و آسمان زمانی تعیین نکرده بود در این آیه هم زمانی تعیین نکرد. گوئی از یادش رفته است و این زبان زد همگانی که (دروغگو کم حافظه است) درباره الله بیشتر درستی نشان میدهد.

اللهی که برابر آیه های بیشماری مانند آیه ۲۹ از سوره سوم (آل عمران) و آیه ۷۷ از سوره بیست و هفتم (النمل) و آیه ۶۹ از سوره بیست و هشتم (قصص) و میگوید از همه جا و همه چیز و گذشته و آینده آگاهم در کاری که مدعی میباشد خودش انجام داده است نمیتواند درستی زمان آنرا باز گو کند تا در شمار دروغگویان در نیاید؟

با نگرشی ژرف و بدور از کور دلی تازی پرستی و یا ترس از دوزخ دروغین الله باید بپذیریم زمانی که الله خدای مسلمانان به این روشنی و با بن مایه استوار دروغ میگوید و گفته هایش را مقدس هم میدانند از رسول الله آفریننده الله که در آیه ۱۴-از سوره ششم (انعام) میگوید (من مامورم که اول شخص که تسلیم حکم الله است باشم و نیز مرا گفته اند که البته از گروهی که الله را شرک آورد نباشم) چه چشمداشتی میتوان داشت؟

آیا ساده اندیشان میتوانند باور داشته باشند نویدی که به مومنین به خودش داده است تا در آن عشرتکده بی در و دروازه خود (بهشت) از شراب ناب سر به مهر عالم بالا سیرایشان کند و زنان همیشه باکره و پسر بچه گان چون لو لو مکنون برای همخوابگی به آنها واگذارد درست است یا فریب و سراب؟

اگر چنین نویدهایی درست باشند نام این الله و رسول الله او را چه میتوان گذاشت؟ و به آیت الله های گسترش دهنده این اندیشه اهریمنی چه فروزه ای باید داد؟

بدرستی دل آدم به حال آن گمراهانی به درد می آید که به امید دستیابی نسیه بر دخترکان زیبا روی و پسر بچه گان زیباتر، انگ ننگ نماز خوانی را با دم قاشق های چوبی بر پیشانی خود مینهند که بن مایه انکار ناپذیر بندگی چنین الهی را برپیشانی خود داشته باشند تا شاید در روز موعود خوش باورانه خود با پا در میانی رسول الله و ولی الله به آن آرزوی بدور از خرد برسند؟

از امامانی که دانش خود را از چنین الله و رسول الله بی دانش تر از خود فرا گرفته اند و پروانه سخن گفتن و پرسش بر پیروان کرو کور و گنگ و گمراه خود نداده و نمیدهند که مبادا بر دانش نداشته آنها شک شود، چه چشمداشتی؟

از آیت الله های تبهکار، این گرگان به پوشاک میش در آمده که برابر آئین شیعه ۱۲ امامی پروانه ندارند از خرد خود در باره درون مایه چنین کلام الهی بهره بگیرند، دانسته و آگاهانه بر نداشتن چنین پروانه ای به پوشاک دیداری در آمده اند تا هرچه بیشتر مردم را در گمراهی نگاهدارند، چه امید؟

اینان از هر جنایتکار جنگی جنایتکارترند زیرا یک جنایتکار جنگی آنهم در پوشاک خود ده یا بیست یا صد و یا هزار تن را میکشد. ولی هر آیت الله در پوشاک دین داری بوارون پیشه خود، (راهنمایی) مغز و اندیشه سد ها هزار انسان ساده اندیش را با دروغهای آگاهانه اش میکشد و به بیراهه می کشاند زیانی که از این رهگذر به جامعه جهانی وارد میشود با هیچ بهائی جبران پذیر نیست.

پرسش اینست. چگونه دانشمندان، اندیشمندان، خردمندان، روشنفکران و سراینندگان میهن ما (به کسر آن گروه انگشت شمار شناخته شده) خود را پیرو آئینی چنین نابخرد کرده اند که پایه گذار آن چنان الهی دروغگو، و نماد ها ئی چون آیت الله ها داشته باشند؟

به ننگ نامه ای بنام کلام الله سوگند یاد نمایند و یا آن را با زبان تازیان برای آمرزش روان مردگان خود بخوانند و دم بر نیاورند. آیا اینان از ملاهای تبهکار گنا هکار تر نیستند؟

بر باور من ملاها از این دیدار جمندترند که بر آنچه گردن نهاده اند کار می بندند، ولی این گونه دانشمندان با لب فرو بستن خود گناهی بیشتر از ملاها مرتکب میشوند.

در آئین اسلام و شیعه گری رهاورد تازیان که آیت الله ها پاسدار و پرچمدار آن هستند نه تنها پروانه پرسش بکسی نمیدهند که میگویند پرسش دست به کارخانه الله بردن است. بر این باور هرگونه پژوهش و بررسی را در آئین خود کفر میدانند که کیفری برابر مرگ دارد.

اگر سرکش آدمی دست به این لانه زنبور (نادان پروری) ببرد تا روشن کند که در پایه و اساس آن (کلام الله) چیزی جز دروغ و فریب و ریا نیست، آنگاه کافرش میخوانند که سرانجام کافر بودن در اسلام ناب محمدی روشن است، ترور اسلامی.

من از همه آیت الله های ریز و درشت که خود را نماد های الله در روی زمین میدانند پرسشی دارم تا به روشنی پاسخ دهند. آیا شما می توانید بگونه یک پژوهشگر درون مایه قرآن را بررسی کنید و دیدگاه خودتان را از روی راستی و درستی بنویسید یا بگوئید؟

اگر آیت الهی دست به چنین کاری زده کیست؟ نامش چیست؟ نوشته اش کجاست؟

برای رهائی اندیشه های به بند کشیده شده/۱۴۰۰ ساله از خویشکاری هر ایران پرستی است تا آگاهانه دست بکار شود و با روشنگری خردمندان ریشه این درخت زهر آگین وارداتی را بخشکاند که برابر آیه های بیشتر آمده در همین ننگنامه از فراز آنهاست سوره بیست و پنجم (فرقان) آیه های ۴ تا ۷- سوره سی و چهارم (سباء) آیه های ۷ و ۸- سوره سی و هفتم (صافات) آیه های ۳۵ و ۳۶- سوره چهل و دوم (زخرف) آیه ۳۰- سوره چهل و چهارم (الدخان) آیه ۱۴- سوره چهل و ششم (احقاف) آیه های ۷ و ۸- و دهها آیه دیگر. شتر باتان تازی در همان آغاز اسلام از پذیرفتن سر باز زدند و گفتند محمد دیوانه و ساحری بیش نیست که افسانه های کهن را بازگو میکند. ولی جانشینان محمد، علی و عمر همسر دختر او، سعد ابی وقاص، قتیبه بن مسلم و دیگر سرداران تازی این لکه سراپا ننگ را با زور شمشیر به گردن نیاکان ما نهادند و ایرانی را از خرد خدائی به سنگ پرستی (حجر الاسود) کشانیدند.

تا این لکه ننگ در تاریخ و فرهنگ ایران بر جاست ما آلوده به ننگیم. فره ایزدی، والائی، سربلندی شادی خنده، بهزیوی، نیکبختی از ما گریزان و روان نیاکان از ما آزاده است.

حال ببینیم الله فرستنده تورات برای موسی، در این باره چه میگوید؟

سفر پیدایش : باب اول آیه ۱ تا ۲۷

در ابتدا خدا آسمانها و زمین را آفرید و زمین بایر و تهی بود و تاریکی بر روی لجه و روح خدا سطح آبها را فرو گرفت. و خدا گفت روشنائی بشود و روشنائی شد. و خدا روشنائی را دید که نیکوست و خدا روشنائی را از تاریکی جدا ساخت. و خدا روشنائی را روز نامید و تاریکی را شب (روزی اول)

درست گوش فرا دهید:

۱- همین الله که در تورات میگوید ابتدا آسمانها و زمین را آفریدم، برابر آیه ۲۹ از سوره دوم (بقره) میگوید او خدائی است که همه موجودات زمین را خلق کرد پس از آن به خلقت آسمان نظر گماشت (ستر ۲۸ برگ یکم را نگاه کنید) تا دریابید کدام سخن الله درست است؟

۲- همین الله که در تورات میگوید اول آسمان و زمین را آفریدم، بی آنکه بگوید آبها را کی آفرید، میگوید تاریکی سطح آبها را فرو گرفت، پس آب وجود داشت، اینهم دروغ دیگر الله؟

۳- خدا گفت روشنائی بشود، شد و روشنائی را از تاریکی جدا ساخت و روشنائی را روز نامید و تاریکی را شب؟

چه بن مایه ای روشنتر از این در دروغگوئی و نادانی الله که نه تنها گفتارش در دو کتاب او با هم برابری ندارد که این نادان میگوید روشنائی را از تاریکی جدا نمودم و نمیداند که تاریکی و روشنائی یا شب و روز در پی گردش زمین است بدور خود و به دور خورشید؟

و خدا گفت فلکی باشد در میان آبها و آبها را از آبها جدا کند و خدا فلک را بساخت و آبهای زیر فلک را از آبهای بالای فلک جدا کرد و چنین شد و خدا فلک را آسمان نامید و شام بود و صبح بود (روزی دوم)

۴- از این فرمایشات الله اگر چیزی دستگیرتان شد ما را هم آگاه کنید.

و خدا گفت آبهای زیر آسمان در یک جا جمع شود و خشکی ظاهر گردد و چنین شد، و خدا خشکی را زمین نامید و اجتماع آبها را دریا نامید.....(روزی سوم)

۵- الهی که گفت اول آسمانها و زمین را آفریدم حالا میگوید آبهای زیر آسمان را در یک جا جمع کردم تا زمین ظاهر گردد. کدام سخنش درست است؟ آیا دروغ نمیگوید؟

و خدا گفت نیرها در فلک آسمان باشند تا بر زمین روشنائی دهند، و خدا دو نیر بزرگ ساخت. نیر اعظم را برای سلطنت روز و نیر اصغر را برای سلطنت شب (که گویا منظورش خورشید و ماه است) و ستارگان را و خدا آنها را در فلک آسمان گذاشت تا بر زمین روشنائی دهند و سلطنت نمایند بر روز و بر شب و روشنائی را از تاریکی جدا کنند... شام بود و صبح بود (روزی چهارم).

۶- اگر الله در قرآن خورشید و ماه را گردنده و زمین را با کوهها میخکوب نموده است که تکان نخورد سوره پنجاه و پنجم (الرحمان) آیه ۵- و سوره هفتاد و هشتم (النباء) آیه ۷- ولی در تورات میگوید این دو نیر اعظم و اصغر (خورشید و ماه) را در آسمان گذاشتم. یعنی (ساکن) نمودم تا روشنائی و تاریکی را جدا نمایند که بوجود آوردن شب و روز را از خویشکاری این دو میدانند نه زمین؟

از دید الله زمین کوچکترین دستی در فراهم آوردن شب و روز ندارد. آیا به درستی این الله خردمند و آگاه است؟ او بنده محمد (حجر الاسود) نیست که هرچه خواسته اند بنام این لال بی زبان نوشته اند؟

و خدا گفت آبها به انبوه جانوران پر شود و پرندگان بالای زمین بر روی فلک پرواز کنند. پس خدا نهنگان بزرگ آفرید و جانداران خزنه را... و شام بود و صبح بود (روزی پنجم)

و خدا گفت زمین جانوران را موافق اجناس آنها بیرون آورد بهایم حشرات، حیوانات زمین و چنین شد... و خدا گفت آدم را بصورت ما و موافق شبیه ما بسازیم تا بر همه حکومت نماید... پس خدا آدم را بصورت خود آفرید او را بصورت خدا آفرید ایشان را انرو ماده آفرید... و شام بود و صبح بود (روز ششم) .

۷- این گفته های الله نیز نا برابر است با آیه ۲۹ از سوره دوم (بقره) که در روز نخست آفرینش می گوید (همه موجودات زمین را برای شما خلق کردم) کدام سخن الله درست است، آفریدن همه موجودات در روز نخست یا روز پنجم ؟ (باب دوم)

آسمانها و زمین و همه لشکر آنها تمام شد، و در روز هفتم خدا آرامی گرفت و یهوه خدا، آسمانها و زمین را بساخت. یک پرسش کوچک از الله ؟ آیا تو یهوه هم هستی یا در پوشاک او در آمده ای ؟

سوم ماه می ۲۰۰۳
۱۳ اردیبهشت ماه/۲۷۱۱